ف.ش.ش
۱۳۸۹/۸/۱۲
*دوارش دم



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: رساله در تشریح طب و عمل عروق + ناقص الاخر

مؤلف متن: تولوزان فرانسوی   محشی

شارح   مترجم

تاریخ تحریر: ق ۱۳   نوع خط: شکستعلیق   تعداد سطر: ۱۲

موضوع: طب   زبان: فارسی   عدد اوراق: ۵

طول   عرض   شمارهٔ عمومی: ۳۳۴۴۳

وقفی / خریداری

تاریخ وقف   نام کاتب

ملاحظات: رساله از فرانسه به فارسی توسط تولوزان ترجمه شده است.

قدر خوراکش از ده قطره الا بیست قطره در عرق بابونه یا پودینه بخورند سنکلما عرق سم الفار

دی‌پالیسن دیجی‌تال سد تنتک جبر عرق هر چه باشد آنرا اسپرت میگویند

از برای سل زنان مجرب است

صبر زرد ۲ زرده تخم ۳ ... ۳ حب سلیمان کچه ۴

زهره گاو ۱ خاکشیر ۲ کدعلی ۳ ۳

حساب گرانه دوکان

ناقص مانده تا الاخر

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

اما بعد این رساله ایست در تشریح قلب و عمل او و در عروق باسم ... حکیم
بهادر دکتر فرزانه طولوزان فرانسوی حکیم باشی خاصه اعلیحضرت قدر قدرت
شاهنشاه ایران خلد الله ملکه و سلطانه از زبان فرانسه بزبان فارسی ترجمه
نموده و مرکب کرده او را از چند فصل

فصل — در تشریح قلب و کیفیت جریان
شده و از برای خون دوران است که از قلب ابتدا میکند و به عروق منتهی میشود
یعنی قلب ... مرکزی است از برای دوران دم و الشرائین ...
که او را بواسطه شرائین غذا داده میشود و تغذیه بدن چنانچه خواهد
آمد

میشود بواسطه او بر دیگری و خطای اینها از این جهت بود که در تشریح
کردن چون شاهرگ ... نده خون از داخل بدن خارج میشود
زنده و در داخل از برای خون مجرائی است و در زمان ... جستجو نمودند اعضای
داخله را در صغر و عظم حالی و کثرت دم و قلت او با یکدیگر شبیه
و همچنین هر عضو داخل را که کبد و قلب باشد اعظم باشند پس حکم کردند
بانکه این اعضا محل تولید دم میباشند

سؤال — اگر گفته شود چرا حکمای سلف از قبیل افلاطون و ارسطو
و جالینوس با کثرت تشریح حکم کرده‌اند تغذیه اعضا بواسطه کبد داده و در جوا...

جواب — بجهة آنکه قیاس کرده‌اند ... از تشریح
زیرا که وقتی که میکردند انسان یا حیوانات بطن این را که میدیدند شرائین را
خالی از دم مشاهده میکردند و همچنین حکم کرده‌اند با نباتات اورده از کبد و تغذیه
بدن بواسطه اورده و عجب این است که حکما در مدت هزار سال تجربه

نشده بر حرکت دم در تراپس رفته و متصل شدن از دم و همین
انقباض و انبساط گفته حرکت تراپی بواسطه هوای مستنشقه است
و از جمله ادله بر این مدعا این است که در وقتیکه از شریان وضع کنیم دیده می شود
که بیرون جستن خون خارج میشود و گاهی می ایستد و این خروج خون و استادنش
را بواسطه هوای خارجه که داخله ریه است نشده و این قسم به دلیلها که ذکر کرده
شد عدم صحتش معلوم می شود

فصل — در تشریح شغاف و بعد از آنکه پریکاردیوم نامند و آن پرده ایست که
عضلانی صنوبری که را بدو اند در فوق عضله حجاب حاجز دیده میشود و داخله ریه
و از پهن و بسیار ضعیف قلب را احاطه نموده و این قلب با کیسه باین بحث
و داخل رود در روی او غشاء است و او را شکل کیسه احاطه نموده است و در
اسفل و پهن او متصل است با حجاب حاجز حرکت می کند بحرکت عضله حجاب حاجز و در
بعضی حیوانات اتصال او با حجاب بواسطه علاقه نازکی است که در سطح
فوقانی حجاب قطعه از ریه واقع است و حاجت اصلا این کیسه
متصل است

متصل است بعروقهای بزرگ که از قلب خارج شده و از داخل میشود
و ممکن است جدا کردن این کیسه را از عروق بجهة آنکه اتصال
این غشاء با عروق به طوری است که این غشاء منقلب شده باشد بلکه
غشاء دقیقی از این کیسه در سطح ظاهر عروق پیچیده پس ظاهر است که قلب
حرکتی غیر از انقباض و انبساط نمیتواند کرد بجهة آنکه از بالا بسته شده است
بعروق و از پایین بحجاب فرقا

فصل — در تشریح نسج شغاف — سطح سفید این غشاء براق الصقیل
و عظم قسم متصل است و در حوال فربه در روی این غشاء شحم بسیار است
و در لاغران خالی از شحم است سطح باطن او مستوی و املس است و سطح
ظاهر او غیر مستوی و با خشونت است و ما بین هر سطح نسیج لیفی این غشاء
است و او را قوه انقباض و انبساط است و این غشاء اعظم از قلب
قرار داده شده است بجهة آنکه مجال قلب در حالت انبساط

غیر طبیعی بهم رسد فرح و غم که نشود و در جوف که رطوبت زردیست
بجهت آنکه قلب را بواسطه انقباض و انبساط خشک نشود و گاهی این رطوبت
بقدر چهار شیر رطل زیاد میشود باشد قسم که این رطوبت در شق
نفوذ میکند و او را همه وقت میسازد و گاهی کثرت رطوبت که ... که قلب
را منضغط میسازد **فصل** — در تشریح جوف قلب قلب جسمیست
عضلانی صنوبری شکل که موضوع است بر صدر و مایلست بطرف
یسار و صاحب دو سطح است مقدم و موخر سطح مقدم آن کمی محدب
و سطح موخرش کمی مسطح است اما سطح مقدم مایلست لیکن بیسار
و سطح موخر مایلست لیکن بیمین و دارای دو ضلع است یکی ایمن و دیگری ایسر
ضلع ایمن آن دقیق و مسطح و ضلع ایسر ضخیم و محدبست
و دارای دو منتها است یکی در فوق و دیگری در تحت که فوقانی
را قاعده و تحتانی را نقطه گویند و قاعده او مایلست لیکن بیمین

دماغ

دماغ و نقطه لیکن بیسار دارد و سطح چهار طاق است دو در یمین دو
در یسار دو طاق علیا که بلند تر است از دو طاق سفلی دارد چه
است که شاهراه از نقطه قلب عبور نمیکند و این قلب ... شیار است
عمقهای واقعی و در این شیار شحم و بیشتر یال و ریدها واقعست و در سطح
خارج قلب غشاء دیگریست که الیاف قلب از خارج شده
و این غشاء رقیقی است که سطح ظاهر آن ... و املس است
و سطح باطن او غیر مستوی و خشن است و دیگر غشاء دیگریست اسفنجی که در
الیاف قلب میرود **فصل** — در تشریح جوف قلب در سطح
باطن قلب چهار طاق است دو در یمین دو در یسار و مابین طاق
فوقانی و تحتانی طرفین ثقبه است موسوم به ثقبه تبادل و آن ثقبه بعد
از تولد مسدود میشود و سطح باطن هر یک از این بطون صاف نیست
بلکه بعضی زواید عضلانی دارد و بعضی از آنها طرفهای ... شده ...

عمار القلب و بعضی متصلات از ثقب بعضی منفصل و برخی دیگر نیز
شبکه ها جمع شده اند و همچنین این سطح است و قوه واصله که
و این عنق نیز انها پرنگار رفته و داخل عروق واقع شده است

فصل – در ثالث

دهلیز الهی است – مانند بیس این دهلیز و بطن اوسط ... است
و ماده همه ابنیه ولی این دهلیز را در فوق بطن واقع است
معه از ممات که ... سکنهم ... صغیر است کلی در ... مسکه تا دی
است ... اشاهر ... از عظم ارسطوئی است ... که
بعد از همه شبکه طبیعی ارسال ... بسته پیچ ... بست و راد در راه
بواسطه آب ... داخل ... و که ارهه تا منجمد شود در این است
... کعبه ... محمدی ... است هر طرف ... این دهلیز یک
... که جنگ است ... شباهت دارد ... الذی و سطح داخلی
این ... متصل است سطح داخلی دهلیز ... ملتصق ... همای
در این ... را ... عضله است ... شبکه

هم

با ثقبه شش که از دور این دهلیز ثقبه است یک در فوق ...
احرف ... است ... در تحت که به هفت احرف
... و ... احرف ... است تمام که مانع
است ... را از دهلیز با حرف ... در این دهلیز یک
ثقبه دیگری است ... است که ... در داخل ...
ثقبه نیز ... است و مانع است در ...
دیگر و ثقبه های کوچک دیگری ... سایر ... مثقب
نیز است و ... دهلیز ... نیز جدار است و قطر
آن یک ... از ... است ... و در این جدار
در سن طفولیت ... است و بعد از آن ... شود
و این مجری در سن شباب ... تا ... است
و ... ثقبه ... است و اگر این ...
که ... ثقبه که در دهلیز ...

ثقبه ایست که واقع است ما بین دهلیز و بطن و دور دهان او
دولولا است که طرف اعشای او متصل است باطراف ثقبه [illegible]
دور انعطافش اوتار عضلات هستند که متصل اند باوتار عضلات قلب
این دولولا القسمی و [illegible] و در وقت انبساط قلب اغشیه
ها بر روی یکدیگر منطبق میشوند و مابین واسطه مجری مقطوع شده خون
نتواند طبیعی جهه داخل بطن میشود و در حین انقباض قلب اغشیه
این دولولا قسمی دهان مجری راسته میشود که لا داخل از بطن
داخل دهلیز نمی شود

فصل در شرح قلب قلب جسمی است عضلانی اگرچه بدن
الیافش مایل است به پائین و واسطه جانبندی لقه که
جسمی است عضلانی و در این سال باندازه [illegible] شده
در شرح الیاف او [illegible] عضله است فصل

ارجع

در تشریح بطن ایمن — ابتدای بطن ایمن در داخل [illegible]
ثقبه ایست که بواسطه او دخول از دهلیز در داخل بطن میشود چنانچه ذکر
شد و شکاف باطنی او مخروطی در دیواره عضلانی او بسیار است و این دیواره
متصلند باطراف دولولا که در دهان ثقبه ما بین دهلیز و بطن است
دور اعلای این بطن [illegible] و تمام مجاری آنها ثقبه است
که دهان شریان در ریه است که از او دخول [illegible] ریه میرود دور دهان
این ثقبه سه دولولا است که [illegible] مستحکم دارای دولولاها
[illegible] شقشقه مثل [illegible] دار برای [illegible]
که طرف [illegible] متصل است باطراف شریان و طرف
مستقیم انها منطبق میشوند بر یکدیگر [illegible] مجری را مانع میشوند
[illegible] این طرفهای مستقیم [illegible]
فصل در تشریح دهلیز ایسر دهلیز ایسر در [illegible]

نزدیک بفقار واقع است که میان مری و آورطی صدری مابین
آن و فقرات واقع شده و شعاب این دهلیز مکعب عنق منتظم
و دور او پنج تقعّب است ولی در طفولیت با مجرای تام صاحب شش
تقعّب نیست چهار از آنها در حال ورید شعبه‌ها حلقه که کم شعبه‌های زیاد
ریه تقسیم می‌آید و هر تقعّب از آنها برای قسمتی از ریه تکیه شده و تقعّب هم
تقعّب است مابین دهلیز بطن و شعاب او بعضی دیگر کسیح است
و اصبع در آن دو جانب منتفخ و سطح باطنی این دهلیز حملات ارغنث و دقیق
است و دهلیز ایمن را اوعیه شده بیوو و بسیج این دهلیز عضلاتی
و دهنه شبکه در طول و عرض یافته شده است و در خارج این دهلیز از
قدام زائده است که شباهت دارد بگوش سگ
فصل — در تشریح بطن ایسر — این بطن طولانی‌تر است از سایر بطون
و همچنان دیواره عضلاتی آنها نیز ضخیم‌تر است و حرف مابین دیلات
بطن ایمن و بطن ایسر است و دلان بطن ایسر مزاحمه است و طرف

جدار

و علوی از آنها منفصل است بطرف اعلای تقعّب و طرف اسفلش منفصل
است با وتار ضخیمی مانند ابریشم سفید که پیچیده شده و در وسط هریک
از آنها دانه غضروفی است ضخیم‌تر است از دوانهای که در بطن ایمن
است و در جنب این شریان ریه آورطی واقع است و در دهانه
او نیز دریچه‌ای است هلالیه مثل دهانه شریان وریدی و سقف آنها
نیز بجانب شریان است ولی آنها ضخیم‌تر است و در وسط آنها نیز
دانه‌های غضروفی است هلالیه از سایر دانه‌های غضروفی
بلاغه قلب منفصل است به جمیع عروق بدن از شریان و ورید و شریان
و ورید دیگر با یکدیگر همچنین منفصل است به ریه و دیگر چنانکه
از جانب بدن و تحت بواسطه اعوف صاعده با و منفصل است و
علوی بدن اتصالش بواسطه عروق نازل است و این هر دو
عروق منفصل است به اجزای آن و قریب بقلب عروق صاعده تاریک

عضلات نیز حس میشود و منفعت مقصود است به واسطه چهار چیز در سرایت…

و از دماغ اعضا الم میرسد و به واسطه شرایین و وریدها و از … این

روییده شده است

فصل

در تشریح اقسام عروق — در جمیع بدن سه قسم عروق

است شرایین و وریدها و قسم سوم عروق لمفاتیک و عروق

شعریه یا از جنس شرایین است یا از جنس وریدها و جمیع این

از دو قطر … رسیده ابتدا منشعب شده … قسمت

… متفرق … شعب … منشعب میشود در تمام بدن که

دایره عظیم … دایره صغیر …

فصل — در تشریح

جرم شرایین — شرایین صاحب سه طبقه اند طبقه خارجه

آن … اسفنج اسفنجه … و این طبقه

صاحب

صاحب قوه قبض و بسط و نسج آن … مشکل است و … لذا

به اعضا … ۸۰

لهذا حرکت … طبقه …

… یعنی … است زیرا که این … لذا

تا حرکت تخفیف یابد … و غذا … میشود

این … رطوبت … درجه … طبقه

خارجه … عروق صغار … طبقه

شرایین ضخیم … ریزه … است و الیاف او

بعرض … ایستاده بجهت آنکه اگر قطع نمایند باید طول

… قطع کنند زیرا که قطع … ممکن است و الیاف او …

فصل … ایشان

فصل — در تشریح اوردة — اوردة نیز صاحب سه طبقه میباشند

و ا فرق و باشد راهی دارند این است و ولکن اینها بر
عکس یکدیگر است و دیگر آنکه عشق و هسط اینها رقیق
شده است از یکدیگر شبکیه نمی‌تارد طبقه در وسط
و بعد طرف است خارج می‌شود از شبکیه و مثل منزله مرکز است
به قسمی رجوع جزئی از روی بیضی رجوع از محیط است به مرکز
از مرکز جزئی از شبکیه در شبکیه مانند رفتن است از مرکز
به محیط و چشم فرق قدر باین است که گفته‌اند اعراض
شبکیه متصل است با طرف او در جزئی از جدار کره
برمیخهای او رسیده و وضع به انتهای و روید شود و دیگر
و جزئی از فرقهای شبکیه خارج و جسد در مجرای شود و حال آنکه
پس معلوم شد اتصال شبکیه بواسطه شعریه است با شعریه
و بعد از چند اینکه در بعضی آنکه این عروق با چشم متحد شده

هو نوعی

شیخ ۱۳۷۱ ش

ف ۳۰ ش

۸۱

... پائین یکدیگر قرینه و تحتانی شکل که نیمه تحتانی صورتی را تشکیل داده و با
... نقشه تفصیل شده است اندام و دو طرف دارد اما اندازه
... بندها که مخصوص و دارای دو سطح و دو کنار است
... تقریبی است محدب و در خط وسط خط برآمده حاصل از
... اتصال دو قطعه جانبه را ظاهر می‌سازد و در هر طرف خط وسط
... کنار تحتانی دو برکول جانبه است که خط صورتی از آن
... شده و لبه زائده منقار از آن می‌رود که موسوم است
... صورت و حفره جزء بالای این خط از آنکه پوشیده شده است
... و جانبه را ظاهر می‌سازد سطح این خط اندکی ناهموار است
... عضلات بدان متصل شوند موسوم است سطح خلفی در خط وسط
... جزء تحتانی چهار دو برکول سیف عده دارد که گاهی بخوبی از یکدیگر جدا
... می‌شوند و گاهی یکی شوند آن دو برکولهای جانبه که تحتانی آنها محل اتصال
... عضله جانبه و ذقنی و دو تای دیگر محل اتصال عضله جانبه در بالای است
... از زیر دو برکولها خط صورتی دیده می‌شود که خط صورتی است
... و دندانهای ثنایای پائین متحد و محل اتصال عضله ثنایا و ذقنی است

وازفرق به شریانی دارند این است که دیواره اینها بر
عکس رگهای شریانی است دیگر اینکه غشاء وسط اینها رقیق
و دارای الیاف عضلانی کمتری است نسبت بشریانها طبقه اوسط
وریدها ... خارج میشود از قلب و منبع بمنزله مرکز است
قسمت رجوع خون از وریدها بقلب نتیجه رجوع از محیط است بمرکز
دو جهت جریان خون از قلب در شریانها مانند رفتن است از مرکز
به محیط و ... فقط ... این است که گفته شد اطراف
شریانها منقبض است باطراف اوردها دخول از خارج ...
به ... اورده ... دیگر است
... خون از قلب شریانها خارج ... دخول ...
... اتصال ... بواسطه شعریه ... است ...
وریدها ... [illegible] ... چشم ...

هو ...

۱۲۷۱

ف.ش.ش

(۸)

... باید بکر قرینه در تحتانی شکل که نیمه تحتانی صورتشان تشکیل داده و با
شقیقه مفصل شده است اندام دو طرف دارد اما اندازه
یا چند عضله مخصوص و دارای دو سطح و دو کنار است ۸۱
سطح قدامی آن محدب و در خط وسط خط برآمده حاصل از
اتصال دو قطعه چانه را ظاهر میسازد و در هر طرف خط وسط
قرب کنار تحتانی ... چانه است که خط مورب از آن
جدا شده ... زائده منقار ... میرود که مورب ...
خط مورب ... جزء بالای این خط از لثه پوشیده شده
... چانه را ظاهر میسازد سطح این خط ... ناهموار است
تا عضلات ... سطح خلفی در خط وسط
در جزء تحتانی چهار ... دارد که ... جدا
میشوند ... چانه که تحتانی ... محل اتصال
عضله چانه ... عضله چانه ... است
... خط مورب ... که خط مورب ...
... محل اتصال عضله ... است

۶۲

رسالهٔ دو باشیه از تالیفات

معرف الحال دکتر یا ایل معلم طب

و غیره ترجمه

خانه زاد دولت عبد المجید شاکرد قدیم

و خلیفه مدرسه مبارکه

دار الفنون ۱۳۰۶

بلودی از زبانه که جز کرگاه غده ایست بهمین اسم بقیه سطح خلفی
که در بالای خط دندان اسیائیست پوشیده شده است از لثه
در زیر خط لودی دیده میشود معروف بلودی زیر فکی که غده بهمین اسم
در آن جای میگیرد در کنار فوقانی که هم کنار لثه مینامند حفره های
بیضاوی دندانها چنانکه در فک اعلی مذکور شد دیده میشود اطراف
این کنار کنار خارجی داخلی مینامند کنار تحتانی صاف و مدور و بطرفین
شده نزدیک خط وسط فرورفتگی دارد معروف بفرورفتگی
دو بطنی که عضله دو بطنی بدان اتصال می یابد
هر یک از دو طرف این استخوان را که شاخه فک اسفل نامیده اند
دو سطح و چهار کنار و چهار زاویه میباشد
سطح وحشی سطح و طرف تحتانی آن ناهموار است از اتصال عضله ماضغه
سطح انسی در وسط سوراخی دارد که دهان مجرای دندانیست دارای حافظ
دندانی آسیائی یک سطح داخلی اندازه میرود که هم عصب دندانی آسیا
شعبه تحتانی عصب دندانی در این خط جای دارند و شبکه لوحی در کنار
دهان مجرای دندانی دیده میشود که موسوم است بشوک اسپنکس و در زیر
سوراخ این سطح ناهموار است از اتصال عضلات داخلی
کنار خلفی که متصل بغده با رشید صاف و مدور است

ف.ش.ش
۱۳۸۹/۸/۱۲
بازبینی
۲۷۴



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: رساله وبائیه

مؤلف متن: دکتر بازیل — محشی:

شارح: — مترجم: عبدالمجید معلم دار الفنون

تاریخ تحریر: ۱۳۰۹ ق — نوع خط: شکسته آمیز — تعداد سطر: ۱۴

موضوع: طب — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۷۵

طول: — عرض: — شمارهٔ عمومی: ۳۳۴۴۴

وقفی / خریداری

تاریخ وقف: — نام کاتب:

ملاحظات:

بودن از زبانی که هرگز گاه غده ایست بهمین اسم بقیه سطح فلقی
که در بالای خط دندان اسیایست پوشیده شده است از لثه
در زیر خط لودی دیده میشود معروف بلودی زیر فک که غده بهمین اسم
در آن جای میگیرد در کنار فوقانی که هم کنار لثه میباشد جو چهار
بیغاره دندان که چنانکه در فک اعلا مذکور شد دیده میشود اطراف
این کنارها که داخل میباشد کنار تحتانی صاف و کمی رو به بالا
شده نزدیک بخط وسط فرورفته دارد معروف بفرورفته
وبطنی که عضله وبطنی بدان اتصال می یابد
هر یک از دو طرف این استخوان را که شاخه فک اسفل نامیده اند
از سطح و چهار کنار و چهار زاویه میباشد
سطح وحشی سطح و طرف تحتانی آن ناهموار است از اتصال عضله ماسیتر
سطح انسی در وسط سوراخی دارد که دهان مجرای دندانیست دارای حافظ
دندان اسفلی که سطح داخلی امتداد میرود که هم عصب دندانی اسفل
شعبه تحتانی عصب دندانی در این قطعات دارند و برگ لوحی در کنار
دهان مجرای دندانی دیده میشود که موسوم است بزرگ اسپیکس و در زیر
سوراخ در این سطح ناهموار است از اتصال عضلات داخلی
کنار فلقی که متصل بغده باشد صاف و مدور است